

## انجمن سعادت مشهد

فاروق خرابی\*

این اوقات که نسیم بهار تمدن و تربیت و شمیم گلزار آزادی و حریت وزیدن گرفته ... جمعی از دانایان بصیر هوشمند دست به هم داده و انجمنی برای نشر معارف تأسیس فرموده‌اند که عنقریب پس از اتمام نظامنامه و تکمیل ترتیبات او مشروحاً خواهیم نوشت (خورشید، س ۱، ش ۴، ۱۲ صفر ۱۳۲۵).

نویسنده سپس به موضوع تلاش جهت تأسیس قرائت‌خانه در مشهد پرداخته و از تشکیل جلسه اعضای انجمن خیریه سعادت مشهد و سایرین جهت تحقق امر مزبور سخن می‌گوید:

روزجمعه، سلخ محرم، اعضای انجمن خیریه سعادت نشر معارف و جمعی از بزرگان و تجار محترم، برای مذاکره تعیین محل و افتتاح قرائت‌خانه اتحاد بنده منزل را مشرف فرمودند (همان‌جا).

همین روزنامه در شماره ۸ سال اول، ذیل عنوان وقایع شهری، مجدداً با خوشنودی خبر از تأسیس انجمن مزبور داده است:

\* دانشیار دانشکده علوم انسانی دانشگاه گیلان.

چکیده: در صدر مشروطیت انجمنهای ملی فراوانی در تهران و سایر شهرهای ایران تشکیل شدند. انجمن سعادت مشهد از جمله انجمنهای ملی و آزادی است که در سال ۱۳۲۵ هجری قمری و به ابتکار تنی چند از فرهیختگان در شهر مشهد تشکیل گردید. مؤلف این مقاله معرفی انجمن سعادت و حیطه‌های متنوع فعالیت اجتماعی و سیاسی و فرهنگی آن را وجهه همت خود قرار داده است.

کلیدواژه: تاریخ مشروطیت، انجمنهای ملی، انجمن سعادت مشهد.

در میان انجمنهای ملی و آزاد که در دوره اول مشروطیت در شهرهای ایران دایر گردیدند، انجمن سعادت مشهد از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. از این رو می‌توان انجمن مزبور را با انجمنهای ملی پیشرو و صاحب نام و آوازه تهران این دوره هم‌تراز دانست.

روزنامه خورشید که در این دوره در شهر مشهد انتشار می‌یافت، در شماره ۴ سال اول در نوشته‌ای تحت عنوان «ابناء وطن را مؤذنه باد» خبر از تأسیس انجمن مزبور داده است:

سال است موافق نظامنامه خود از روی یک ترتیب صحیحی در خدمات ملی که اهم آنها نشر معارف است سعی و کوشش نموده، اعضای این انجمن محترم همه اشخاص متمدن عالم مشروطه خواه هستند...» (خورشید، س ۱، ش ۱۱۹، ۲۷ محرم ۱۳۲۶).

ریاست انجمن سعادت را عبدالحمیدخان متین السلطنه،<sup>۱</sup> از صاحب منصبان بلند پایه اداره گمرک که در این زمان سمت معاونت کل گمرکات خراسان را دارا بود، برعهده داشت. متین السلطنه مدت نه سال در اروپا تحصیل نموده و از جمله فرهیختگان عصر خود به شمار می رفت. وی ابتدا در پست ریاست گمرکات بنادر خلیج فارس انجام وظیفه می کرد. (صدر هاشمی، ۱۳۶۴: ۱۵۵/۳). او از اولین کوشندگان تأسیس مطبوعات آزاد و غیردولتی در ایران بود و در دوره سلطنت مظفرالدین شاه، روزنامه های طلوع و مظفری را در بوشهر تأسیس کرد. وی در مصاحبه با مدیر روزنامه خورشید می گوید:

... در هشت سال قبل که در زیر فشار استبداد ابداً مجال دم زدن نبود، این بنده آنچه باید بگویم می گفتم و آنچه بایستی بنویسم می نوشتم. جریده مظفری هنوز از بوشهر می آید... زحمات بنده را در راه ملت خوب می نمایاند. اول روزنامه (کاریکاتور) و مصور را در ایران بنده مخترع بودم که طلوع نام داشت و قبل از مظفری در بوشهر می نوشتم و شش هفت شماره بیشتر از طبع بیرون نیامد و به واسطه مطالب مره و اشکال نفرت آمیزی که برای اعضای دولت دارا بود، توقیف شد... (خورشید، س ۱، ش ۱۰۰، ۱۷ ذیحجه ۱۳۲۵).

**فعالیتها و اقدامات فرهنگی - اجتماعی انجمن سعادت مشهد**  
یکی از مهمترین اقدامات انجمن سعادت مشهد عبارت

بحمدالله این ایام آثار تنبّه و بیداری ... در قاطبه ساکنین این ارض فیض قرین آشکار می شود در گوشه و کنار دانایان بیدار حاضر کارند انجمنهای ملی برای ترقی و پیشرفت امور ملت منعقد می شود از آن جمله انجمن خیریه سعادت که چندی است مرکب از بزرگان آگاه و دانشمندان خیرخواه تشکیل یافته... (خورشید، س ۱، ش ۸، ۱۳ ربیع الاول ۱۳۲۵).

روزنامه مجلس زمان تشکیل اولین جلسه انجمن مزبور را اواسط ماه محرم ۱۳۲۵ ذکر می نماید:

اولین انعقاد این انجمن در اواسط ماه محرم، در منزل جناب... حاجی میرزا ابوتراب خان اقبال التولیه، از اجله محترمین مشهد به حضور هیئتی که عبارت بود از چهارده نفر از آقایان دانشمند ملت خواه تشکیل یافته، نظامنامه مکملی دایر به مقاصد و حدود و وظایف اعضای این انجمن در همین محل به آراء حاضرین مرتب شد (مجلس، س ۱، ش ۱۱۲، اول جمادی الاول ۱۳۲۵).

به قرار گزارش همین روزنامه، این انجمن هر هفته یک بار، به مدت سه ساعت تشکیل جلسه می داده است. ظاهراً انجمن سعادت موفق شده بود در همین اوقات سی نفر از برجستگان گروههای منتقد اجتماعی چون شاهزادگان، علما و تجار و دیوانیان روشن بین و تحصیل کردگان زمانه را متشکل نماید (همانجا).

انجمن سعادت به لحاظ آنکه هم خود را عمدتاً مصروف فعالیت های فرهنگی و خیریه نموده بود، انجمن خیریه سعادت نیز خوانده می شد. باید توجه داشت که شماری از انجمنهای ملی و آزاد پایتخت نیز دارای همین عنوان خیریه بودند.

روزنامه خورشید قریب یک سال پس از تأسیس انجمن مزبور سرمقاله خود را بدان اختصاص داده و تحت عنوان «انجمن خیریه سعادت» می نویسد:

انجمن خیریه سعادت اولین انجمن خیریه ملی است که به دست چندین نفر از اشخاص وطن پرست خیرخواه در مشهد مقدس تشکیل یافته و حالا مدت یک

۱. متین السلطنه فارغ التحصیل اکسفورد بود و قریب یک دهه بعد از اعلان مشروطیت (۱۳۳۵ هـ. ق) در حالی که مدیریت روزنامه عصر جدید را در تهران برعهده داشت، در ۳۹ سالگی قربانی تعصبات سیاسی گردید و توسط یکی از تروریستهای «کمیته مجازات» به قتل رسید. (صدر هاشمی، ۱۳۶۴: ۱۵۴-۱۵۷؛ ۲۹-۳۱، تبریزی، ۱۳۶۲: ۳۶۳-۳۶۴، کسروی، ۱۳۴۰: ۷۷۴-۷۷۵/۲، ۸۰۵).

شاگرد در آن به تحصیل اشتغال داشتند که نیمی از آنها به طور مجانی پذیرفته شده بودند. به علاوه، تمامی ملزومات درس و مشق و لباس آنها نیز توسط مدرسه در اختیار آنها قرار می‌گرفت. نظامت مدرسه را محمدباقر خان سرتیپ کاشانی عهده‌دار بود که روزنامهٔ خورشید از وی به عنوان یکی از «جمله اشخاص متمدن متدین خیرخواه ملت‌پرست این مملکت» یاد نموده است. نویسنده سپس به ذکر نام تنی چند از تجار که با گشاده‌دستی اعاناتی به مدرسه داده بودند، پرداخته و آنگاه از فردی به نام «حاجی اسدالله تاجر خامنه» نام می‌برد که به تنهایی دو مدرسه با نام معرفت در مشهد و خامنه تأسیس کرده است. نویسندهٔ روزنامه به اتفاق فرد خیر مزبور به بازدید مدرسه رحیمیهٔ سعادت رفته و توصیف جالبی از آن به دست می‌دهد:

این حاجی غیرتمند که در حقیقت عاشق ترقی ابناء وطن است، روز پنج‌شنبه نهم این ماه (رمضان ۱۳۲۵) به اتفاق این بندهٔ نگارنده به مدرسهٔ رحیمیه رفته فقط به عنوان دیدن و احوالپرسی نوآموزان این دبستان، پس از ملاحظه و تماشای وضع مدرسه که بسیار منظم و مرتب بود، میرزا محمدعلی خان ناظم مدرسهٔ معرفت که همراه حاجی بود سه چهار نفر از شاگردها را مختصر امتحانی کرده، معلوم شد این اطفال در این امور در مدت سه ماه کار یک سال کرده‌اند. بعد همهٔ اطفال مشغول مشق نظامی شده، در صحن مدرسه به ریاست و مشاقتی سرکارخان سرتیپ و ناظم که اولین مشاق نظامی این شهر است، مشق کاملی کرده دانسته شد که این اطفال به قدر سربازهای پنجاه‌سال پیش‌تر کار کرده‌اند (خورشید، س ۱، ش ۵۶، ۱۲ رمضان ۱۳۲۵).

در اینجا باید توجه داشت که در دورهٔ اول مشروطیت، آزادیخواهان ضرورت ایجاد نظام ملی (ارتش ملی، ارتش انقلابی) را مطرح ساخته و انجمنهای ملی در تهران و پاره‌ای دیگر از شهرها در این کار پیش‌قدم بوده و به طور مشخص در تبریز و برخی از شهرهای آذربایجان و رشت و تهران

بود از تأسیس مدرسهٔ سعادت رحیمیه. شایان تذکر است که در این دوره کمک به تأسیس مدارس نوین و تلاش در راه باسواد نمودن (به معنای خوانا و نویسا شدن) مردم و به‌ویژه، کودکان و نوجوانان نوعی وظیفهٔ ملی و اجتماعی تلقی گردیده و امیدهای زیادی بدان بسته شده بود.

از روی گزارشی که در روزنامهٔ مجلس به چاپ رسیده ملاحظه می‌گردد که انجمن سعادت در همان آغاز موفق شده بود قریب یک هزار و پانصد تومان وجه برای مدرسهٔ مزبور جمع‌آوری نماید که در آن دوره، مبلغ قابل توجهی محسوب می‌گردید. روزنامهٔ مجلس فهرست اسامی اعانه‌دهندگان و نیز مبالغ اهدایی هر یک را (از ۵۰ الی ۲۰۰ تومان) به چاپ رسانیده است. به علاوه گروهی نیز متعهد به پرداخت ماهیانه استمراری برای مدرسهٔ مزبور گردیده بودند که نام افراد و مبالغ مورد تعهد نیز در همان‌جا درج شده است (مجلس، س ۱، ش ۱۱۲، غرة جمادالاول ۱۳۲۵).

چنانکه از روی فهرست اسامی مزبور قابل رؤیت است، اکثریت چشمگیر اعانه‌دهندگان را گروه تجار تشکیل می‌دادند و علاوه بر آنها نام نایب‌التولیه، موسیو مولیتور، رئیس ادارهٔ گمرک، و چند تن دیگر به چشم می‌خورد. مبالغ گزاف اهدایی به خودی خود گویای آن تحولی است که در جامعهٔ ایران آغاز قرن بیستم میلادی در جریان بوده و تصویری از آمادگی اذهان برای دستیابی به پیشرفت اجتماعی و بهبودی فرهنگی به دست می‌دهد. در رأس یاری‌دهندگان انجمن، حاج عبدالرحیم صراف قرار داشت که در گزارش روزنامهٔ مجلس از وی به عنوان فردی «از اغنیا ملت‌خواه این شهر مقدس» نام برده شده است. فرد مزبور به علاوه ساختمان مناسبی را نیز که به خود وی تعلق داشت، برای مدرسه و کتابخانه اهدا نمود (همان‌جا).

روزنامهٔ خورشید در شمارهٔ ۵۶ سال اول، در نوشته‌ای تحت عنوان همت و جوانمردی، به توصیف مدرسهٔ رحیمیهٔ سعادت پرداخته است. به قرار نوشتهٔ مزبور سه ماه پس از تأسیس مدرسه یکصد و ده نفر

واحدهای داوطلب مسلحی ایجاد شده بود. نگارنده گزارش در ادامه می‌نویسد:

بعد حاجی اسدالله ره‌آوردی از این سفر خیریت اثر برای این مدرسه آورده بود، تقدیم داشته و آن عبارت بود از یک دستگاه کره جغرافی کار روسیه... و برای شاگردها نیز یک صد و ده بسته شیرینی که به عدد شاگردها حاضر و تهیه کرده بود، قسمت کردند (همان‌جا).

انجمن سعادت در همین زمان ابتکار جالبی به کار برده و تصمیم به تأسیس کتابخانه و قرائت‌خانه عمومی گرفت. در این زمان که ایرانیان تازه از یوغ استبداد خلاصی یافته بودند و برای نخستین بار در تاریخ ایران شمار نسبتاً فراوانی از روزنامه‌های آزاد انتشار می‌یافتند، علاقه به مطالعه کتب و روزنامه‌ها آشکارا به چشم می‌خورد. مطابق شواهدی که در دست است، در پاره‌ای از مناطق کشور روستاییان که خود قادر به خواندن روزنامه نبودند، آن را خریداری کرده و از صاحبان سواد تقاضا می‌کردند که آن را برای ایشان بخوانند (انجمن، س، ۱، ش ۲۸، ۱۸ ذیحجه ۱۳۲۴).

در چنین اوضاع و احوالی که مردم علاقه‌مند به مطالعه بودند، گروه‌هایی از آنان به ویژه جوانان به علت عدم استطاعت قدرت خریداری روزنامه را نداشتند. از این‌رو، ضرورت تأسیس قرائت‌خانه بیشتر آشکار می‌گردد. روزنامه خورشید در شماره ۱۱ سال اول، مطلبی تحت عنوان قرائت‌خانه سعادت به خامه محمد صادق تبریزی مدیر آن نشریه به چاپ رسانیده است که فرازهایی از آن در اینجا نقل می‌گردد:

یکی از نتایج اقدامات حسنه اعضای محترم انجمن خیریه سعادت دایرشدن قرائت‌خانه سعادت است. هرچند این بنای خیر را که مایه ازدیاد علم و بصیرت عامه ملت است، قبل از تشکیل انجمن مزبور این بنده به دستگیری و همراهی چند نفر از اهل خیر و صلاح اقدام کرده، درصدد افتتاح آن بودیم و به صواب‌دید بزرگان

محترم چنین قرار شد که یک هزار بلیط اعانه از قرار یکی پنج هزار دینار به طبع رسانیده، هر کس از اهل خیر و صلاح که این‌گونه تأسیسات خیریه را موجب ترقی و سعادت داری ملت می‌داند، به قدر همت و اقدام خود از این بلیطها خریده، وجه او را به اطلاع مؤسسين به مخارج اساسیه و کرایه محل و مواجب اجزاء آنجا برسانند که لامحاله در این مملکت عجلتاً یک باب قرائت‌خانه که اقلاً جراید اسلامی و بعضی از کتب مفیده در آنجا باشد تا اشخاصی که قدرت اشتراک همه جراید را ندارند و از بیکاری در قهوه‌خانه‌ها بی‌جهت تضييع عمر می‌نمایند، در آنجا به مطالعه اخبار و کتب، تحصیل علم و بصیرتی کرده متدرجاً تهذیب اخلاق نمایند. به همین ملاحظه در دو ماه قبل بلیطها به طبع رسیده و معدودی از اعیان و تجار چند بلیط خریداری کردند که عجلتاً به اندازه تأسیس قرائت‌خانه جمع شده، باقی بلیطها موجود است... رسیدگی کلیه امور قرائت‌خانه مزبور نیز در تحت نظارت و توجه انجمن عالی داخل است و شش نفر از اعضای محترم این انجمن، به کثرت آراء برای مراقبت و مواظبت در امور مدرسه مبارکه سعادت منتخب شدند که هفته‌ای یک روز در مدرسه مزبور جمع آمده، در اصلاح و پیشرفت کلیه مدارس و نشر معارف در خراسان عموماً مدرسه رحیمیه و قرائت‌خانه سعادت خصوصاً بحث و کنکاش و سعی و تلاش فرمایند.

اسامی ایشان:

نواب والا حسین میرزا سرتیپ مهندس، جناب متین‌السلطنه... نگارنده محمد صادق تبریزی. حالا قرائت‌خانه از تاریخ غره شهر ربیع‌الثانی دایر و مفتوح است و هر روز از یک ساعت از روز گذشته الی دو ساعت از شب رفته، برای طالبین علم و اطلاع باز است. عجلتاً از هرگونه جراید فارسی و غیره موجود و عنقریب از هر قسم روزنامه و کتاب تهیه خواهد شد. حق‌القرائه عموماً معاف و مجانی است. ابدأ کسی حق مطالبه‌دیناری

ناگهان از بیخ و بن برمی‌کند، مرض مهلک و موحش آبله است که همه دیده و دانسته‌ایم و مخصوص در این چند سال اخیر این مرض بدفرجام هزاران هزار اطفال ما را به گورستان برده و داغهای ابدی بر دل پدران و مادران و کسان آنها گذاشته... چرا پس علاج نمی‌کنیم، از جهل و نادانی و بطالت و نافرمانی.

نویسنده سپس کسانی که ابتلاء به چنین بیماری را حاصل قضا و قدر می‌دانند، مورد نکوهش قرار داده و می‌نویسد:

یک طایفه ناقص‌العرفان در این مسئله به قدر و قضا متمسک می‌شوند که اگر خدا می‌خواست این اطفال تلف نمی‌شدند و به بیع سلف نمی‌رفتند. هیئات که ندانستیم وسایل و وسایط را نیز حق قرار داده ... از برای همین عارضه آبله به وحی الهی ماده آبله را اطباء بزرگوار ایجاد نموده‌اند که به هیچ وجه با شرایط مقرر آن خطا نمی‌کند و از هزار یکی باطل نمی‌شود. اینک این بندگان که انجمن خیریه سعادت را دایر کرده‌ایم برای خدمت به ابنای وطن عزیز خودمان به وساطت دکتر فتحعلی‌خان که یکی از اخوان انجمن سعادت هستند و در طب جدید و سایر کمالات مستخب و برگزیده‌اند، ماده آبله صحیح مهیا کرده و سه نفر از اطبا حاذق کامل این مملکت که خدمت ابنای وطن را بر خود فرض می‌دانند، در تقدیم این خدمت دامن همت بر کمر زده، بدون هیچ گونه توقعی آبله‌کوبی تمام اطفال این بلد را مجاناً به عهده گرفته‌اند.

نویسنده اعلان پس از ذکر اسامی اطبا و محل آبله‌کوبی خطاب به والدینی که در انجام این امر کوتاهی می‌نمایند، می‌گوید:

... به تمام اهالی این مملکت عرض می‌نماییم با این وسیله سهل و آسان اگر پدران اطفال در کوبیدن آبله آنها کوتاهی نمایند، به دست خود خون آنها را ریخته و یقیناً شریک قتل آنان ... خواهند بود.

و در پایان اعلان انجمن سعادت شعر زیر درج شده است:

از کسی به این عنوان ندارد.

محل قرائت‌خانه بالاخیابان جنب منزل جناب قوام‌التولیه، مغازه متصل به مدرسه رحیمیه ملکی جناب حاجی عبدالرحیم آقا صراف که این مکان را نیز مثل عمارت مدرسه مجاناً بدون کرایه در صورتی که ماهی پانزده تومان کرایه می‌دادند، برای قرائت‌خانه مرحمت فرمود... هکذا صورت جمع و خرج قرائت‌خانه برای اطلاع عامه در هر شش ماه یک دفعه طبع و نشر می‌شود... (خورشید، س ۱، ش ۱۱، ۶ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵).

یکی از اقدامات بسیار جالب توجه و احتمالاً در نوع خود منحصر به فردی که توسط انجمن سعادت مشهد صورت پذیرفت عبارت بود از اقدام در جهت آبله‌کوبی کودکان. روزنامه مجلس در گزارش مربوط به انجمن سعادت به همین موضوع اشاره نموده و اقدام انجمن مزبور را مورد ستایش قرار داده است:

دیگر از نتایج خیریه این انجمن اقدام در آبله‌کوبی عموم اطفال مشهد است مجاناً. از برای این امر مهم نظامنامه نوشته، مایه صحیح بی‌عیب از مرکز موثوق به حاضر کرده، قرار گذاشتند که مقدمه لایحه مفیده که مشتمل است بر فواید آبله‌کوبی و مضار و مفاسد نکوبیدن آبله و دعوت اهالی جلب توجه آنها بر اهمیت این کار طبع و نشر نمایند. پس از آن در هر نقطه از مراکز مهمه شهر طبیعی حاذق و باتجربه که معین کرده‌اند، مجاناً آبله افراد را بکوبد (مجلس، س ۱، شماره ۱۱۲، غره‌جمادی‌الاول ۱۳۲۴).

روزنامه خورشید در شماره ۱۰ سال اول اعلان انجمن سعادت در مورد آبله‌کوبی را به چاپ رسانیده است که حاوی نکات جالبی می‌باشد. نویسنده پس از ذکر مقدمه پیرامون اهمیت سلامتی به اصل مطلب پرداخته و موضوع حفظ صحت کودکان را مطرح نموده و خطر این بیماری را گوشزد اهالی می‌نماید:

... اولین عائق که در مملکت و وطن عزیز ما برای این نویاوگان عزیز متصور است که آنان را چون میوه‌های شیرین دلشین از باد مخالف حوادث و سرمای سخت

برای دایر نمودن چند باب مدرسه ابتدایی و یک باب مدرسه علمی یعنی دارالفنون چند مجلس مذاکرات نموده (جهت تأمین) محلی برای مخارج این کار مهم چنین صلاح دانستند... قرار بگذارند که از هر عدل مالالتجاره که از گمرک وارد و خارج می‌کنند، یک شاهی که عبارت از پنجاه دینار باشد به صندوق اعانه خیریه بدهند که این وجه به تصویب و نظارت انجمن سعادت و اطلاع چند (تن) از تجار محترم که این اعانه را می‌دهند، در مصارف خیریه ملیه که اول اصل آنها دایر کردن مدارس ابتدایی است برسانند (خورشید، س ۱، ش ۱۱۹، ۲۷ محرم ۱۳۲۶).

چنان که از ادامه گزارش فوق ملاحظه می‌گردد، تجار غیرتمند با پیشنهاد مزبور موافقت نموده و با کمال شوق و رغبت در فهرست اسامی، پای نام خود را امضا نمودند. در پی تقاضای انجمن، ریاست گمرکات نیز با اخذ وجه مزبور موافقت نمود و یکی از اعضای انجمن که منشی اداره گمرک بود و به نوشته روزنامه خورشید «در نزد تمام مردم مقبولیت عامه» داشت، انجام این کار را به طور مجانی بر عهده گرفت. در ادامه گزارش، به اقدام جالب دیگری جهت گردآوری اعانه اشاره شده که احتمالاً در آن دوره برای نخستین بار در ایران صورت پذیرفته و از این نظر کاری منحصر به فرد می‌باشد:

و نیز اعضای انجمن خیریه سعادت چنین صلاح دانستند که چند فقره صندوق اعانه در ادارات دولتی گذاشته، وجه جمعی آنها را نیز ضمیمه این وجه ساخته، در امور خیریه به مصرف برسانند. و در این باب از رؤسای محترم ادارات دولتی از قبیل تذکره و تلگراف و پست که خود ایشان هم از اعضای این انجمن هستند، قبول این خدمت را تمنا نمودند و ایشان نیز که هر کدام از اولین خیرخواهان ملت به شمار می‌روند، پذیرفته، عجلتاً سه صندوق سربه مهر انجمن سعادت در ادارات جلیله پست و تذکره و تلگراف گذاشته شده است (همانجا).

ظاهراً رئیس اداره شرکت برادران نوبل (شرکت نفت)

دستمزدی می‌نخواهم از کسی  
دستمزد ما رسد از حق بسی  
هین صلا بیماری ناسور را  
داروی ما یک به یک رنجور را

(خورشید، س ۱، ش ۱۰، ۲۹ ربیع‌الاول ۱۳۲۵)

روزنامه مجلس در ادامه گزارش یادشده در بالا (شماره ۱۱۲، سال اول) از اهداف خیرخواهانه دیگر نیز که انجمن سعادت دنبال می‌کرده، آگاهی داده است:

یکی دیگر از فواید انجمن خیریه سعادت ترتیب دادن جایی است و مقرر نمودن یکی دو نفر از زنهای فقیر با دو رأس گاو شیرده و اجرت کافی از برای پرستاری و مواظبت اطفال رضیعه فقرای مستحقین که قادر بر حفظ و تربیت اولاد خود نباشند... مقاصد خیریه دیگر که این اوقات مطرح شده و هنوز صورت خارجی پیدا نکرده از قبیل نظیف شهر که در ضمن انجام این امر مهم بیکاران و فقرای این شهر را گردآورده به کار وادارند و از قبیل ترویج امتعه وطنی و اقمشه ولایتی و غیره ذلک از مصالح نوعیه و فواید ملیه... (مجلس، س ۱، ش ۱۱۲، غره جمادی‌الاول ۱۳۲۵).

روزنامه حبل‌المتین تهران نیز در شماره ۲۵۶ سال اول ذیل «خلاصه اخبار خراسان» خبر از اقدام جدید انجمن سعادت مشهد در زمینه تأسیس مدارس جدید داده و از آن به عنوان «خدمت به عالم ملت‌خواهی» یاد نموده و پس از توضیح در مورد پرداخت مبلغ جزئی از بهای کالاهای وارده و صادره توسط تجار می‌نویسد:

خداوند امثال این‌گونه اشخاص ملت‌پرست وطن‌خواه را در مملکت ما زیاد فرماید (حبل‌المتین، س ۱، ش ۲۵۶، ۱۶ صفر ۱۳۲۶).

روزنامه خورشید در سرمقاله شماره ۱۱۹ سال اول، به طور مشروح به همین موضوع پرداخته است:

... اعضای معظم این انجمن که اصل مقصود آنها نشر معارف و تکثیر مدارس و تربیت نوباوگان وطن است، از

برآشفته نموده و به چالش می‌طلید. روزنامه‌خورشید در یکی از نوشته‌هایی که تحت عنوان «مقاله ساده‌گویان» انتشار می‌داد، به این موضوع پرداخته است. نوشته مزبور از نظر آشنایی به این فضای فرهنگی در حال دگرگونی و درک و دریافت روان‌شناسی مردم زمانه حایز اهمیت است.

نگارنده مقاله پس از اشاره به انجمن سعادت و اقدامات مفیدی که توسط آن انجام پذیرفته، می‌نویسد:

... از مقصود دور نشویم، در این چند روزه اعضای این انجمن خواستند برای اطاق خود میز و صندلی ترتیب دهند که چندین ساعت به روی زمین معذب نشینند (و) پای خود را به زجر و زحمت نیندازند و لباس خود را کیف و چرکین نکنند. بیایید ببینید چه حرفها گفتند و چه ایرادات نمودند. یکی گفت تقلید از اروپاییان می‌کنند، دیگری گفت بر مخارج انجمن بدون زحمت می‌افزایند. ثالثی گفت این ترتیبات در ایران مرسوم نبوده، بعدها نیز نباید باشد. کسی نبود بگوید رفع درد پا کردن مربوط به هیچ یک از این مطالب نیست وانگهی روز زمین نشستن را (از) کدام ملت تقلید کرده‌اید. اعراب که روی کرسی می‌نشستند و امروزه هم می‌نشینند. اجداد قُرس شما هم که میز و صندلی داشتند و نقشه‌های تخت‌جمشید بهترین گواه است... (خورشید، س ۱، ش ۱۴، ۳۰ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵).

#### انجمن سعادت در عرصه سیاست

اگرچه انجمن سعادت مشهد عمده هم خود را مصروف اقدامات فرهنگی و خیریه می‌نمود، با این حال همانند سایر انجمنهای ملی در این دوره پرتلاطم از تاریخ ایران که دگرگونی عظیمی در کشور در حال جریان بود، در عرصه سیاست نیز حضور داشت.

روزنامه خورشید در گزارشهایی که از برگزاری جشن سالگرد اعلان مشروطیت تهیه و منتشر نموده، به نقش فعال انجمن سعادت و اعضای آن و جشنی که در عمارت و باغ محل انجمن دایر گردیده بود، می‌نویسد:

نیز چاپ قبوض اعانه را مجاناً تقبل نموده بود. روزنامه خورشید در پایان سرمقاله خود اظهار امیدواری نموده که اعضای انجمن مزبور به‌زودی قادر به تأسیس مدارس نوین متعدد گردند و می‌نویسد:

... چنانچه همین روزها در تهیه افتتاح یک باب مدرسه ابتداییه در پایین خیابان مثل مدرسه مبارکه رحیمیه در بالای خیابان هستند (همان‌جا).

#### انجمن شرافت (سبزوار) شعبه انجمن سعادت مشهد

نکته قابل توجه اینکه، انجمن سعادت در سبزوار نیز ظاهراً دارای شعبه‌ای بوده است. احتمالاً نام و آوازه انجمن سعادت مشروطه‌خواهان و ترقی‌طلبان سبزوار را بر سر ذوق آورده تا آنجا که آنان دست به اقدام مشابهی زده و انجمن خود را شعبه‌ای از انجمن سعادت دانستند. روزنامه حبل‌المتین در شماره ۳۱ سال دوم تحت عنوان «حوادث مهمه خراسان»، ذیل موضوع «سبزوار» می‌نویسد:

انجمن محترم شرافت سبزوار که شعبه‌ای از انجمن سعادت ارض اقدس است، پس از آنکه در سایه اهتمامات معارف‌خواهانه اعضای محترم به تأسیس یک باب کتابخانه و قرائت‌خانه مجانی موفق گردید، درصدد احداث مدرسه با اصول جدید برآمده، به همت ترقی‌خواهان معارف‌پرور مبلغ پنجاه و پنج تومان اعانه ماهانه استمراری مقرر شد، برای مدرسه ناظم و معلم از طهران خواستند. عنقریب بشارت افتتاح این مدرسه را وسیله خوشوقتی معارف‌پروران قرار خواهیم داد... (حبل‌المتین، س ۱، ش ۳۱، ۲۳ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵).

#### انجمن سعادت و معارضة کهنه و نو

تأسیس انجمن سعادت که به نحوی پیگیر درصدد ایجاد مؤسسات تمدنی جدید چون مدارس نوین، کتابخانه و قرائت‌خانه، شیرخوارگاه و نیز انجام اقداماتی چون آبله‌کوبی بود، در عرصه زندگی اجتماعی این شهر قدیمی ایران، تمامی افراد و گروههای اجتماعی را که خواهان حفظ شرایط موجود و فرهنگ سستی جامعه بودند،

در ذی‌قعدة ۱۳۲۵ محمدعلی‌شاه در همراهی با پاره‌ای از روحانیون اصولگرا و سایر مخالفان مشروطیت آشکارا دست به اقدام علیه موجودیت مجلس و مشروطه زد که در تاریخ تحت عنوان ماجرای توپخانه یا کودتای نیمه‌کاره توپخانه شهرت یافته است. این عمل شاه در همه‌جا موجب برانگیخته شدن خشم مشروطه‌خواهان علیه وی و سایر مخالفین شد. محمدعلی‌شاه با این اقدام تا اندازه‌ی زیادی اعتبار و منزلت خود را نزد عموم مردم شهرها از دست داد. در عرف عامه، او به سبب نقض سوگندی که به کلام‌الله مجید در حفظ مجلس و مشروطه و قانون اساسی یاد کرده بود، دیگر فرد قابل اعتمادی به شمار نمی‌رفت. انجمن ایالتی تبریز رسماً او را از سلطنت عزل نمود و آزادیخواهان در شهرهایی که نهضت مشروطیت در آن نقاط نیرومند بود، با این اقدام همدلی از خود نشان دادند (کسروی، ۱۳۴۰: ۵۱۶، ۵۱۷).

در شهر مشهد نیز آزادیخواهان اجتماعات فراوانی برگزار نموده و به دفاع از مشروطه و مجلس و حقوق و آزادیهای به دست آمده برخاستند و حتی ذخیره اسلحه دولتی را در اختیار گرفتند.

ظاهراً انجمن سعادت نیز در این جریانات، در کنار سایر انجمنهای ملی حضوری فعال داشت. در تلگرافی که در همین زمان از مشهد به کرمان خطاب به اعضای «انجمن محترم کرمان و سایر اهالی آن سامان»، مبنی بر خلع محمدعلی‌شاه از سلطنت ارسال شده، نام انجمن سعادت مشهد نیز دیده می‌شود:

... عموم علماء اعلام و حجج اسلام و سایر اهالی خراسان با تیات مقدسه شماها متفق‌القول و متحد‌الکلمه هستند، لهذا تمام دوایر دولتی تعطیل و ذخیره قورخانه در تصرف ملت و قولاً و احداً محمد علی میرزا را خلع از سلطنت نموده، من بعد احدی از اهالی خراسان چنین شخص خاین مخالف عهد و ناقض پیمان را لایق سریر دولت نخواهد دانست و با تمام قوای ملی از بذل جان و مال و نفوس و اعراض مضایقه نخواهند نمود.

امضا: حبیب‌الله الحسینی، محمدجعفر الحسینی، ابراهیم ابن محمدرضوی، محمداً بن محمد کاظم الخراسانی، اسدالله الحسینی

از جمله مراکز مهمه که قابل تمجید و تحسین و محل توجه عامه خلق بود، انجمن خیریه سعادت بود که در حقیقت داد ملت‌پرستی و وطن‌دوستی را داده، در این موقع از بذل هیچ‌گونه سعی و اهتمام خودداری نکرده بودند. عمارت انجمن مزبور که در باغ نصرت‌الملک مرحوم و از اولین عمارات عالیه این شهر مقدس است، واقع روز چهارشنبه اعلان دعوت عمومی طبع و نشر داشته بودند و تمام خیابانهای آن باغ را میزهای متعدد چیده که همه آنها مملو از چراغهای الوان و همه قسم شیرینی و حلویات علاوه بر چای و شربت برای واردین مهیا بود.

نویسنده گزارش پس از ارائه توصیف رنگینی که از چراغانی باغ (از جمله با چراغ برق یک هزار و دوست شمعی و بیرقهای شیروخورشید و طاقه‌های شال‌آویخته و غیره) به حضور گروههای وسیعی از مردم و نخبگان شهر در جشن مزبور اشاره می‌نماید:

... و ترده عامه در این دو شب در این محفل عالی از حد احصاء بیرون بود و همه واردین با کمال راحت و مسرت پذیرفته می‌شدند. غالب علما عظام و تجار و کسبه و رؤسا و اجزاء کلیه ادارات دولتی و معتبرین تجار از داخله و خارجه شرف حضور داشتند. بزرگ و کوچک، وضع و شریف، غنی و فقیر همه یکسان در کمال آزادی و احترام وارد می‌شدند (خورشید، س ۱، ش ۲۶، ۱۷ جمادی‌الثانی ۱۳۲۴).

در ادامه گزارش به حضور شصت نفر از دانش‌آموزان مدرسه رحیمیه سعادت، با لباسهای یک رنگ که از پارچه وطنی تهیه شده بود، اشاره شده است.

در مراسم جشن سالگرد اعلان مشروطیت فصیح‌الملک عضو انجمن سعادت به سخنرانی پرداخته و حاج محمد اسماعیل معاون‌الصنایع، عضو دیگر انجمن مزبور که به نوشته روزنامه خورشید «از اشخاص با همت و غیرت این مملکت به شمارست» مسئولیت برگزاری سه روزه جشن را عهده‌دار بود (خورشید، س ۱، ش ۲۷، ۱۸ جمادی‌الثانی ۱۳۲۵).



مدرسه جمعی می‌آمدند و تأکید و اصرار داشتند که حکم کنید ما خودمان قهوه‌خانه‌ها را ببندیم. حضرات علماء اعلام و وکلا فخام آنها را به نصیحت و موعظه ساکت می‌کردند که اجراء احکام تکلیف حکومت است نه انجمن ... بالاخره قرار بر این شد که مجدداً در این باب مؤکداً به حکومت نوشته، جواب بخواهند (همان‌جا).

در جلسه روز ششم ربیع‌الثانی مجدداً قضیه بستن قهوه‌خانه‌ها مطرح گردید و پس از بحث در مورد پاسخ آشتی‌جویانه نایب‌الحکومه تصمیم گرفته شد که به صاحبان قهوه‌خانه‌ها چند روزی مهلت داده شود که خود اقدام به تعطیلی آنها نمایند:

... قرار بر این شد که اعلانی از جانب انجمن مقدس نوشته و به توسط چند نفر از طلاب به قهوه‌خانه‌ها اطلاع بدهند که این سه روزه محض ورود حضرت مستطاب ایالت کبری... به ایشان مهلت داده شد، مشروط بر اینکه در این دو روز دست و پای خودشان را جمع کرده، از روز چهارشنبه تمام قهوه‌خانه‌ها و تریاک‌خانه‌ها حتماً باید بسته شود (همان‌جا).

ظاهراً گروه‌هایی از کسبه و اصناف مشهد همچنان پیگیرانه خواستار تعطیلی قهوه‌خانه‌ها بودند. در جلسه مورخ ۱۱ ربیع‌الثانی انجمن، گروهی از آنها عریضه‌ای را که جمع کلیری آن را امضا کرده بودند، به انجمن آوردند. در نوشته مزبور قهوه‌خانه‌ها منشاء فسق و فجور و شرارت خوانده شده و از تعطیلی آنها اظهار تشکر کرده بود. چون هنوز برخی از قهوه‌خانه‌ها مفتوح بود و پاره‌ای افراد در سکوهای بازارها و کاروانسراها به چای‌فروشی اشتغال داشتند، قرار شد چند نفر از طرف انجمن آنها را شناسایی کرده و از حاکم خواستار بسته شدن آنها شوند (خورشید، س ۱، ش ۱۳، ۲۳ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵).

با این حال از بررسی ادامه کار چنین به نظر می‌رسد که با همه این پافشاریها این کار به طور قطعی انجام نپذیرفت. قریب یک سال بعد از این جریان انجمن بلدی مشهد که به تازگی تشکیل گردیده بود، با قدغن اکید

التزوینی، عبدالشکور محمداقبر مدرس، محمدرضا الحسینی، مرتضی الحسینی، علی ابن حبیب‌الله الحسینی، محمدعلی فاضل، انجمن آستان قدس، انجمن ایالتی خراسان، انجمن سعادت، انجمن اثنی عشریه، انجمن فیض حسینی، انجمن مجاهدین و عموم ملت خراسان، مضمون این تلگراف به مجلس شورای ملی و تمام ولایات منظره شد (خورشید، س ۱، ش ۸۶، ۲۵ ذی‌قعدة ۱۳۲۵).

در ربیع‌الثانی ۱۳۲۵ انجمن ایالتی خراسان مقرر داشت که قهوه‌خانه و تریاک‌خانه‌ها بسته شود. ظاهراً این موضوع قبلاً نیز در جلسه انجمن مطرح گردیده و مورد بحث و گفتگو قرار گرفته بود. به قراری که از نوشته روزنامه خورشید برمی‌آید، حکم مزبور را «کلیه علماء اعلام بالاتفاق تصویب و امضاء» نموده بودند. از این رو، انجمن به سالار مکرم، نایب‌الحکومه خراسان، نامه‌ای ارسال داشت تا در مورد اجرای مصوبه مزبور اقدام لازم مبذول گردد. سالار مکرم در پاسخ انجمن چنین نوشت: مرقومه محترم در خصوص موقوف نمودن قهوه‌خانه‌های شهر زیارت گردید. همان طوری که مرقوم فرموده‌اید معایبی دارد ولی محسناتی هم دارد. علی‌ای حال موقوف کردنش بهتر است. این سه چهار روزه تحمل فرمایند بندگان حضرت مستطاب اشرف ارفع اقدس والا ایالت کبری - دامت شوکه - وارد شوند. به عرض حضور مبارکشان برسد بنده تحصیل اذن نموده، جواب مساعد عرض خواهد شد. زیاده ایام سعادت مستدام باد (خورشید، س ۱، ش ۱۲، ۱۴ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵).

این مسئله اعتراض بعضی از وکلا و رؤسای اصناف را در پی داشت. آنها از نحوه عملکرد انجمن در رابطه با دولتیان و برآوردن خواسته‌های مردم از جمله عدم جلوگیری مسئولان دولتی از بی‌نظمی شهر ناراضی بوده و این مسائل را مورد نگرانش قرار می‌دادند. روزنامه خورشید در توضیح ادامه جریان می‌نویسد:

... در این بین از تمام اصناف متدرجاً چند نفری به انجمن آمده، جمعیت زیاد شد. هکذا از طلب مدارس از هر

را انجمن جهال و حمقا خوانده است (مجلس، س ۲، ش ۱۳۹، ۴ جمادی الاول، ۱۳۲۶).

روزنامه حبل‌المتین در شماره ۱۸ سال دوم گزارش مشروحي پیرامون اعتراض قهوه‌چیها و صاحبان آن املاک و منازعه‌ای که بر سر آن میان مشروطه‌خواهان و مخالفان در گرفته، به چاپ رسانیده است:

پس از آنکه قریب هشتصد نفر از قهوه‌چی‌ها و عده کثیری از متمولین که دارای دکاکین و املاک متعلقه به قهوه‌خانه بودند، به انجمن بلدی فشار آورده در باب بسته شدن قهوه‌خانه‌ها جداً پروتست کردند. انجمن بلدی برای رفع غائله و جلوگیری از اغتشاشات محتمله از هر انجمن سه نفر دعوت نموده، از آراء آنها طلب تکلیف کرد. روز پنجشنبه ۲۱ ربیع‌الاول (۱۳۲۶) متخین عموم انجمنها پس از مذاکرات متحداً رأی دادند بر اینکه قهوه‌خانه‌ها باز باشد، ولی برای جلوگیری از مناهی و ملامی از عموم قهوه‌چی‌ها التزامی گرفته و مفتشین معین گردید. انجمن بلدی نیز این رأی را تصدیق کرد... (حبل‌المتین، س ۳، ش ۱۸، ربیع‌الثانی ۱۳۲۶).

ظاهراً مخالفین از پذیرفتن قرار مزبور سرباز زدند: در این بین قزوینی<sup>۲</sup> با جمعی از قولچماق‌های خود که همیشه برای همه‌گونه شرارت حاضر و مصممند وارد انجمن شده، بنای خشونت را گذاشت که قهوه‌خانه دارالفسق والفجور است. شرعاً احوط این است که بسته شود. الان باید حکم بسته شدن قهوه‌خانه‌ها را عموم انجمنها امضا نمایند. کسی که رأی ندهد به خلاف شرح حکم کرده است... جمعی از ترس شرارت اشرار به ناچار تصویب نمودند... (همان‌جا).

نکته جالب در این قضیه پافشاری مشروطه‌خواهان و طرح نقطه‌نظرهایشان است. عبدالحسین خان متین‌السلطنه که ریاست انجمن سعادت را برعهده داشت و به اتفاق دو نفر دیگر به نمایندگی از سوی انجمن مزبور در آن جلسه

۲. احتمالاً مقصود نویسنده حاج سید اسدالله قزوینی است.

دستور تعطیلی قهوه‌خانه‌ها را صادر نمود (حبل‌المتین، س ۲، ش ۹، ۲۶ ربیع‌الاول ۱۳۲۶).

اینک قضیه بستن قهوه‌خانه‌ها موجبات اعتراض شاغلان و نیز مالکان آنها را فراهم آورده و به زودی همین جریان به موضوع مورد مناقشه میان مشروطه‌خواهان و مخالفان آنها که در همین قضیه بهانه مناسبی جهت ابراز وجود یافته بودند، تبدیل گردید. شایان توجه است که در این واپسین ماههای حیات مجلس و مشروطه اول مخالفان و دشمنان مشروطیت به تشویق شاه و دربار در همه جای کشور از جمله در مشهد فعال شده و به نحوی مصمم در تعقیب اهداف خود بودند. روزنامه حبل‌المتین چندی پیش از این ماجرا گزارشی تحت عنوان «خلاصه اخبار مشهد» به چاپ رسانید که تصویر گویایی از شرایط حاکم در شهر مشهد و خواسته‌ها و تمایلات مخالفان مشروطیت در این شهر بزرگ به دست می‌دهد. در نوشته مزبور پس از شرح مخالفت چند نفر از علما با انجمن بلدی و نظامنامه آن آمده:

... دیروز جمعی از اعوان حاج سید اسدالله مجتمع شده خدمت جناب حاجی میرزا حبیب‌الله مجتهد رفته، موافقت آقا را در خصوص چهار فقره از مقاصد خودشان خواستار شده‌اند.

۱. روزنامه‌ها را از ورود به خراسان قدهغن نمایند که اسباب اغتشاش خیالات اهالی می‌شوند.
۲. مدارس جدید به کلی در این شهر موقوف و بسته شود.
۳. افتخارالواعظین از خراسان تبعید شود.
۴. تمام انجمنهای این شهر به جز انجمن ایالتی موقوف گردد.

جناب حاجی میرزا حبیب‌الله شرحی در محسنات و فواید این چهار موضوع تقریر فرموده و صریحاً جواب داده‌اند که موافقت من در این مطالب غیرممکن است و اقدام شما را در این فقرات به هیچ‌وجه صلاح نمی‌بینم (حبل‌المتین، س ۱، ش ۲۲۸، ۱۳ محرم ۱۳۲۶).

یکی از مراکز فعالیت مخالفان مشروطیت در مشهد انجمن همت یا انجمن رضوی بود که روزنامه مجلس آن

روزنامهٔ *حبل‌المتین* در ادامه از مکتوبی یاد می‌کند که از مشهد به روزنامه ارسال شده و شرح وقایع را بیان نموده است. از قرار معلوم مخالفان مشروطیت به خانهٔ میرزا صادق‌خان، مدیر *روزنامهٔ خورشید* ریخته و وی را «با کمال بی‌احترامی و کشان‌کشان» به انجمن رضوی (انجمن همت) <sup>۳</sup> برده و ظاهراً در آنجا محبوس می‌کنند.

در مکتوب چاپ‌شده در *حبل‌المتین* در ادامه چنین آمده است:

... اهل مشهد تا به حال هیچ جایی و هیچ مقصری را این‌طور به محلی بردن و به محبسی کشیدن ندیده‌اند... و چون انجمن سعادت و انجمن اثنی‌عشری درصدد تحقیق جهت این حرکت نامشروع برآمده، حضرات انجمن سعادت را متهم به بایبگری اعضا و اجزایش متهم کرده و به مصداق (الغریق یتشبث بکل حشیش) درصدد معارضه با انجمن اثنی‌عشری برآمده، می‌گویند مگر ما اثنی‌عشری نیستیم که شما اسم انجمن خود را اثنی‌عشری گذاشته‌اید. بر حسب مشهور مقصود اصلی اینان برچیدن اساس تمام انجمنهاست... <sup>۴</sup> (همان‌جا).

#### منابع

بهار، محمدتقی (۱۳۳۸)، *دیوان اشعار*، توس، تهران؛

تبریزی، جواد (۱۳۱۲)، *اسرار تاریخی کمیته مجازات*، انتشارات فروردین، تهران؛

*روزنامه انجمن* (۱۳۲۴ق)، تهران؛

*روزنامه حبل‌المتین* (۱۳۲۵-۱۳۳۱ق)، تهران؛

*روزنامه خورشید* (۱۳۲۵-۱۳۲۶ق)، مشهد؛

*روزنامه مجلس* (۱۳۲۵-۱۳۲۶ق) تهران؛

صدرهاشمی، محمد (۱۳۶۴)، *تاریخ جراید و مجلات ایران*، ج ۳ و ۴، انتشارات کمال، اصفهان؛

کسروی، احمد (۱۳۴۰)، *تاریخ مشروطه ایران*، انتشارات امیرکبیر، تهران؛

\_\_\_\_\_ (۱۳۴۰)، *تاریخ هیجده ساله آذربایجان*، امیرکبیر، تهران. ■

شرکت نموده بود، نطقی مفصل ایراد کرد که حکایت از فهم و درایت وی داشت: در هر کسبی و در هر شغلی راه معصیت و طریق خطا ممکن است و نباید آزادی کسب و کار را به واسطهٔ امکان خلاف یا احتمال عصیان سلب نمود. منتهی باید به واسطهٔ مواظبت در اجرای قانون و مراقبت در تفتیش آن سد طریق مناهی گردد. مثلاً اگر ما قهوه‌خانه‌ها را ببندیم، به ملاحظهٔ اینکه در بعضی از آنها تریاک می‌کشند، پس باید عموم دکانهای عطاری و دوافروشی را نیز ببندیم به واسطهٔ اینکه اغلب آنها دواهای مهلک می‌فروشدند و هکذا سایر طبقات را باید از کسب و کار ممنوع سازیم، زیرا که اغلب آنها مرتکب هزارگونه تقلبات و منهیات و معاصی محتمله قهوه‌خانه‌ها است. پس (به) همان دلیل که در آنها فقط اجرای قانون را باید وسیلهٔ منع خلافکارها قرار داد، قهوه‌چی‌های فلک‌زده را هم به موجب آن دلیل نباید در این مملکت بی‌دخل (و) بی‌کار از نان خوردن منع کرد. پس به نام آزادی عقیده مجبورم که به حسب تکلیفی که از انجمن سعادت دارم، بستن قهوه‌خانه‌ها را تصدیق نمایم... (همان‌جا).

مطابق گزارش *حبل‌المتین* پس از اظهارات متین‌السلطنه، شخصی که در تمام مشهد به فسق و شرارت معروف بود، شروع به فحاشی کرده و با ششلول حاضران را تهدید نموده و عملاً جلسهٔ مزبور به هم خورد (همان‌جا). همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، در این زمان رفته‌رفته مخالفان مشروطیت عرصه را بر آزادیخواهان تنگ کردند. *روزنامهٔ حبل‌المتین* در شمارهٔ ۳۸ سال دوم از «تلگراف وحشت‌انگیز» میرزا صادق‌خان، مدیر *روزنامهٔ خورشید* سخن گفته است. وی که علاوه بر مدیری *روزنامهٔ مزبور* ظاهراً مسئولیت پخش جراید ملی را نیز در این شهر عهده‌دار بود، در تلگراف ارسالی به *حبل‌المتین* می‌نویسد:

*روزنامه‌ها را به واسطهٔ بروز بعضی حوادث ارسال ندارید و توزیع جراید از عهدهٔ من خارج است و جریدهٔ خورشید هم تعطیل شده است (حبل‌المتین، س ۲، ش ۳۸، اول جمادی‌الاول ۱۳۲۶).*

۳. محمدتقی ملک‌الشعراء بهار در ذم انجمن همت شعر جالبی سروده که یک بیت آن در اینجا نقل می‌گردد.  
باز بر شاخسار حبله و فن انجمن کرده‌اند زاغ و زغن (بهار، ۱۳۳۸: ۱۴۹-۱۵۰)  
۴. *روزنامهٔ مجلس* نیز در شمارهٔ ۱۳۹ سال دوم (مورخهٔ چهارم جمادی‌الاول ۱۳۲۶) به این جریان اشاره و خاطر نشان نموده که «آسمان و زمین ایران بر آنها لعنت خواهد کرد و نامشان در جزو حشرات الارض و وحشیان عالم برده خواهد شد».